

ن ن

نان - نَم نَم - باران - آسمان - آبادان - دندان - آنا - آنا - آنا - آن
مَن آنا دارم.

اَبَر دَر آسمان آست.

آدَم دَنَدان دارَد.

مَن آنا دَر دَسْت دارم.

باران نَم نَم آمد.

مَن دَرَس دارم.

مادَر دَر دَسْت نان دارَد.

آن مَرَد نان دارَد.

دَر سَبَد آنا آست.

واژه، عبارت و جمله های جدید

تَن - نام - نور - نَم - ران

بانو - دامَن - سوسَن - بَدَن - آسان - آرمان - بوستان - مامان - سامان

ساسان - دَربان - بادبان - نَمَد - نارَس - بَنَدَر - دانا - نادان - داستان

دوستان - تَنور - دَرون - دَرمان - مَردان - روبان - اَنبار

آب نَبات - آناناس - اَمانت - سَمَنو

نَدارم - نَدارد

مانَدَم - ماند

نَدَادَم - نَدَاد

نَبُودَم - نَبُود

نَبَر

- مَن أَنَار دُوسْت دَارَم.
- سَامَان أَنَانَس دُوسْت دَارَد.
- مَامَان بَا سَمَنُو آمَد.
- سَاسَان دَانَا اَسْت.
- آرْمَان دَر بُوَسْتَان اَسْت.
- او بَرَادَر نَدَارَد.
- آبَادَان بَنَدَر اَسْت.
- دَر آبَادَان بَارَان آمَد.
- آن مَرَد دَر بَنَدَر نَبُود.
- او دَر اَنبَار بُوَد.
- او دَرْبَان اَسْت.
- نَان دَر تَنُور اَسْت.
- آن نَان نَرْم اَسْت.
- سُوَسَن دَاْمَن دَارَد.
- دَرَس آسَان اَسْت.
- آن دَرَس دَاَسْتَان دَارَد.
- مَن دَاَسْتَان دُوسْت دَارَم.

مادر - ابرو - درس - سرما - آرام - سارا - برادر - رود - ابر - سرد
دارد

مادر آرام آمد.

سارا برادر دارد.

باد آمد.

ابر آمد.

مادر با سارا آمد.

رود آب دارد.

سارا توت دارد.

واژه، عبارت و جمله های جدید

بر - تر - در - سر - رو - را - رام - بار - تار - تور - دور - ترس
آرد - مرد - راست - مار

مَرَمَر - دارا - روستا - راسو - دارو - باربر - رودبار - سوسمار - داراب

سَراب - رامسَر - رودسَر - آرس

مادَرَم

دارَم

• اَبَر بود.

• سَرما بود.

• اَسب رام بود.

• روستا آباد آست.

• مار سَم دارد.

• سارا دَر رودسَر آست.

• او دَر سَبَد توت دارد.

• مادَرَم تاب را بَست.

• مادَر را دوست دارَم.

• رودبار دور آست.

• سام دَر رودبار آست.

• مادَر او را دوست دارد.

• آرس رود آست.

• رود آب دارد.

• آب سَرَد آست.

ای پ ی ای

سیب - بیدار - ایران - آبی - سینی - بیداری - ایرانی - امیر
ایستاد ... بر می دارد

واژه، عبارت و جمله های جدید

این - دین - سیم - بید - دیر - تیر - سیر - بیست
آری - آبری - آمین - آستین - بی بی - نی نی - سینی - سینا - سیما
میترا - مینا - مینو - تمرین - نسرین - سیمین - نسیم - دوستی - سیمی
موسیر - توری - ایمان - بیمار - بیرون - دوربین - نیمرو - ساری
آبادی - بارانی - روسری - روبوسی - باربری - تنوری - دیدنی - نورانی
بستنی - نابینا - نیرومند - دارابی

ایستادی ... ایست!

بر می داری

می دانم - می دانی - می داند

دیدم - دیدی

نیستم - نیستی - نیست

می بَنَدَم - می بَنَدی ... بَسْتی - بَسْتِیم
می مَانَم - می مَانی ... مَاندی - مَاندِیم
تَرَسِیدَم - تَرَسِیدی

می بوسَم - می بوسی ... بوسِیدَم

می بَارَد ... بَارید ... نَبَارید

• ایران آباد است.

• مینو دیر آمد. او تمرین دارد.

• این روسری آبی است.

• این نان تنوری است.

• بی بی آن را بر می دارد.

• این آبادی دیدنی است.

• آسمان آبری نیست.

• آمین با دوربین آسمان را می بیند.

• مینا نیمرو دوست دارد.

• امیر بستنی دوست دارد.

• بستنی سرد است.

• من سیب دوست دارم.

• مامان سیما را بوسید. سیما بیمار بود.

• در ساری باران می بارد.

• سینا در ساری می ماند.

• امیر، تاب را بد بستنی.